

## "مصاديق حق الناس در آيه دوازدهم سوره حجرات"

زهره خسروی مشیزی<sup>۱</sup>

### چکیده:

مراعات حقوق مردم در جامعه در ابعاد مختلف و احترام به جان و مال و آبروی آنان از شاخص‌های اساسی یک جامعه اسلامی است. چرا که اسلام به عنوان دین کامل برای ایجاد جامعه‌ای اخلاقی و همراه با امنیت و آسایش برای همگان، توجه فراوانی به حقوق افراد و لزوم آن نموده است. آشنایی با مصاديق‌های حق الناس، هر فرد را آگاه می‌کند که حق الناس فقط جنبه مادی ندارد. این مقاله به برخی مصاديق‌های حق الناس با توجه به آیه ۱۲ سوره حجرات می‌پردازد. با توجه به اینکه این موضوع بر اساس آیه‌ای از قرآن مورد بررسی قرار گرفته است، لذا روش اتخاذی در این مقاله، روش تفسیری و از آنجا که اسناد و مدارک در کتابخانه موجود می‌باشد، روش کتابخانه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است و اطلاعات لازم در برگه‌های فیش جمع‌آوری شده و بعد از تحلیل و تفسیر اطلاعات جمع آوری شده به تدوین این نوشتار نهایی درآمده است. دستاوردهای حاصل از این مقاله آشنایی با مصاديق‌هایی از حق الناس و علل برخی از مصاديق می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** تجسس، حق الناس، سوءظن، غیبت.

---

<sup>۱</sup>- سطح دو، فاطمیه بردسیر، zkhsrwy.7@gmail.com

## **مقدمه:**

در کتاب العین لفظ حق در لغت به معنای چندی از جمله نقیض باطل می باشد و در کتاب مفردات الفاظ قرآن به معنی موافقت و مطابقت است. اما ثبوت در کتاب تحقیق فی کلمات قرآن کریم همراه با تطابق و واقعیت قید مشترک بین همه معانی آن، عنوان شده است. این لفظ در کتاب حقوق و سیاست در قرآن، در اصطلاح معانی گوناگونی دارد. معنای اصطلاحی در این بحث مفهومی است که در برابر تکلیف واقع می شود. حق در این معنی چیزی است که به نفع فرد و بر عهده دیگران است و تکلیف، آن چیزی است که بر عهده فرد و نفع دیگران است و چنین معنایی که از این کلمه در قلمرو حقوق استفاده می شود، مفهوم اعتباری است و تنها در ارتباط با افعال اختیاری انسان ها مطرح می شود. انسان های آزاد و صاحب اختیار یک دسته از کارها را باید انجام دهند و از دسته دیگر از کارها بپرهیزنند و بر محور همین باید و نبایدهای حاکم بر رفتار آدمیان، مفاهیمی از قبیل حق و تکلیف زاده می شود. از سویی، چنین حقی که در مقابل تکلیف به کار می رود به سه بخش کلی حق الله، حق النفس و حق الناس، تقسیم می شود. حق الناس یا همان حقوق مردم که همگان موظف به رعایت آن در قبال دیگران اند، دارای گونه های مختلفی است که اسلام به آنها اهمیت بسیاری داده است و جزء علوم قرآنی محسوب می شود که در این مقاله به بررسی سه مورد از مصادیق حق الناس در آیه ۱۲ سوره حجرات پرداخته است. حق الناس به معنای حق مردم ترکیب اضافی از نوع اضافه ملکی بوده است و اضافه حق به ذی حق است. به این مفهوم حق متعلق به مردم است. پاسخ دادن به حق الناس در روز قیامت دقیق تر از پاسخ دادن به حق الله است. برخی از پژوهش هایی که در مورد حق الناس انجام شده مورد مطالعه قرار گرفت و برای باز شدن بحث حق الناس ضرورت ایجاب کرد به مصادیق آن توجهی شود تا افراد نپنداشند که حق الناس فقط به مال است. حقوق بشر تا به امروز مسیری بس طولانی برای بقاء و اثبات وجود خود طی کرده است و مسلماً به این راه ادامه خواهد داد. حقوق بشر که روزگاری تنها به عنوان حیات تعریف می شد اینک دیگر ابعاد پیدا و پنهان حیات انسانی چون حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم و .... را در بر گرفته و از تعریف مضيق سنتی فراتر رفته است.

حق الناس فقط در مال نیست، بلکه حق الناس آبرویی بسیار مهم تر است. هیچ کس نمی‌تواند آبروی دیگران را ببرد، بعد انتظار داشته باشد مورد شفاعت اهل بیت واقع گردد. متاسفانه در جامعه فعلی بسیاری از حرف‌های رایج در مسائل سیاسی و اجتماعی تهمت و غیبت است که حق الناس شمرده می‌شود و در برزخ و قیامت عذاب سخت الهی را به دنبال دارد. هر چیز که حقی از مردم در آن باشد حق الناس است. در منابع و متون اسلامی چه در قرآن و چه در روایات معصومین علیه السلام، به حق الناس تاکید شده است. تاکید اسلام بر رعایت حق الناس آنچنان مؤکد است که می‌گوید: آن گاه که انسان از گناهان پیشین خود به درگاه الهی توبه می‌کند تا زمانی که حقوق ضایع کرده مردم را ادا نکند توبه اش پذیرفته نخواهد بود. یکی از اهداف بلند بعثت انبیاء، محقق نمودن عدالت و ادای حق مردم در جامعه بشری بوده است که در تمام ابواب فقه وجود دارد، روزگاری تنها به عنوان حیات بود که اینک ابعاد دیگر پیدا کرده؛ برخی از پژوهش‌هایی که در زمینه حق الناس انجام شده به نوعی به آن اشاره کرده‌اند. اما در این مقاله سعی شده به بررسی سه مصداق از حق الناس و مصدقه‌های آن‌ها در آیه‌ای از قرآن پرداخته شود تا مفهوم آن روشن‌تر شود.

روش مطالعه در این مقاله، خلاصه نویسی و تند خوانی می‌باشد. پیش‌فرض رعایت حق الله، رعایت کردن حق الناس است و رعایت نکردن حقوق دیگران باعث گرفتاری انسان در قیامت می‌شود. حتی اگر صالح ترین انسانها باشند باز این گرفتاری برای آنان وجود دارد. احترام به آبروی مؤمن، یعنی دیگران از دست و زبان انسان محفوظ بمانند.

برای آشنایی با چند مصدق از حق الناس کنجدکاو شدم مصادیق حق الناس را بشناسم و آشنا شدن با مصدقه‌های دیگر و علل برخی از آنها من را بر این واداشت که به تدوین این مقاله بپردازم تا با آشنایی با آنها جامعه مطلوب اسلامی را داشته باشیم. برای تدوین این مقاله کتابخانه‌های حوزه علمیه فاطمیه بردسیر و کتابخانه شهید صدر و چند سایت مراجعه کردم و کتاب‌های مرتبط با موضوع خود را دریافت نمودم و با یاری خداوند متعال به تدوین نهایی این مقاله پرداختم.

## مفهوم شناسی

تجسس: از ج س س (ع مص م) به معنای خبر جستن می باشد.<sup>۱</sup>

حق: از ح ق ق گرفته شده است و به معنای ضد باطل ثابت و لازم می باشد.

الناس: از انس، انسان، بشر، انسانی جمع انس به معنای انسانها می باشد.

سوء: بدی، آنچه ناخواستایند باشد. ظن طرف راجح در اعتقاد غیرقطعی می باشد.<sup>۲</sup>

گمان بد را به دل راه دادن و نفس را به آن مایل کردن سوء ظن نام دارد. نشانه های سوء ظن

این است که به واسطه آن تغییری در دل از الفت و محبت به کراحت و نفرت پیدا شود.<sup>۳</sup>

غیبت: آن چیزی است که نسبت به کسی گفته شود و اگر به گوش او برسد خوشنی نیاید.

خواه آن گفته راجع به نقص در بدن او یا در اخلاق یا در اقوال و یا در افعال مربوط به دین و

دنیای او باشد، بلکه اگر مربوط به نقص در لباس یا خانه یا مرکب او باشد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>- دهخدا، لغت نامه، ص ۳۹۳.

<sup>۲</sup>- قمی، فرهنگ واژگان قرآن، ص ۱۸۸، ۱۴۹، ۷۹، ۲۶، ۲۵.

<sup>۳</sup>- نراقی، علم اخلاق اسلامی، ص ۱۳۵.

<sup>۴</sup>- همان، ص ۲۹۹.

## ۱- مصادیق حق انسان در آیه دوازده حجرات

انسان ها باید بپذیرند که بعد از وظایف الهی، وظیفه ادای حقوق مردم از همه مهمتر است. بلکه از جهاتی نیز بر آن ترجیح داده شده است کسی نمی تواند ادعای مسلمانی کند در حالی که حق انسان بر پشت او سنگینی می کند و کسی نمی تواند از حسن عافیت و نجات در روز قیامت برخوردار گردد. در حالی که هنگام چشم فرو بستن از دنیا، حق انسان بر گردن او باشد. در جوامع غیر مذهبی ضمانت اجرای حقوق و حدود و عدالت با نیروی حکومتی است که افراد را تحت فشار قرار می دهند تا حقوق و وظایف محوله را انجام دهند. اما در جوامع مذهبی به خصوص جامعه اسلامی علاوه بر نیروی بیرونی، نیروی درونی ایمان عامل مهمی برای اجرای عدالت و رعایت حقوق خدا و مردم است. تا زمانی که این نیرو در جامعه باشد، حقوق فردی و اجتماعی کمتر پایمال می شود. چون افراد خود را مشمول و مخاطب دستورات الهی می دانند و خداوند را بر تمام اعمال خود حاضر و ناظر می بینند<sup>۱</sup> و حقی که در مقابل تکلیف که بر عهده فرد به نفع دیگران می باشد به سه بخش ۱.حق الله ۲.حق النفس ۳.حق الناس تقسیم می شود که در این مقاله به مصاداق هایی از حق انسان با توجه به آیه دوازده سوره حجرات پرداخته می شود تا افراد آگاه، آگاهتر و افراد ناآگاه، آگاه شوند که چه چیزهایی در محور حق انسان جای می گیرد.

### ۱-۱- سوء ظن

سوء ظن به معنای بدگمانی و بدبینی است. نشانه پلیدی روان انسان ها است. چرا که انسان بدگمان و بدبین همواره گرفتار ناراحتی ها، رنج ها، خودخوری ها و غیره است. سوءظن به عنوان یکی از گناهان کبیره به شمار می آید و سبب ارتکاب بسیاری از گناهان دیگر مانند تجسس و غیبت می گردد.<sup>۲</sup>

سوء ظن نتیجه جبن و ضعف نفس است، زیرا هر جبان ضعیف نفسی هر فکر فاسدی که به خاطرش می گذرد به او اعتقاد پیدا می کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: باید امر برادر

<sup>۱</sup>- اکبری، نگاهی به حق انسان، ص ۲۳، ۲۲، ۱۲، ۱۱.

<sup>۲</sup>- حیدری، شناخت و درمان سوء ظن، ص ۱۷.

خویش را به دست بگیریم. گاهی اوقات ما از مصدقهای تجسس آگاهی نداریم و گمان می‌کنیم که به تجسس دچار نشده ایم اما در واقع گناه تجسس برای ما نوشته شده است.

## ۱-۲- تجسس در امور اجتماعی

نوع دیگر از تجسس، تجسس در امور اجتماعی و عمومی است. امور اجتماعی مربوط است به مشاغل، اصناف، شرکت‌ها، سازمان‌ها و هر مجموعه‌ای که شأن اجتماعی دارد. هدف از این نوع تجسس، کسب اطلاع از چگونگی عملکرد اجتماعی افراد، نهادها و سازمان‌ها است مانند این که با زیر نظر گرفتن کارگزاران و کارمندان دولتی و تجسس اخبار آنها به منظور اطلاع از اینکه آیا مسئولیت‌های خودشان را درست انجام می‌دهند، در این صورت تجسس واقع نمی‌شود. در واقع نوعی نظارت است. مشابه این مورد در قسمت مصاديق سوءظن هم اشاره شد که باید در انتخاب کارگزاران سوءظن داشته باشیم و یا مانند اینکه زیر نظر گرفتن تلاش‌ها و تحرکات نظامی دشمنان که در این صورت باید از تصمیمات دشمن آگاهی پیدا کنیم تا بتوانیم اگر به کشور آسیبی وارد می‌کنند آن را سرکوب کنیم و از ملت و میهن دفاع کرد. در این طور موضع تجسس در واقع نظارت و بازرگانی محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> حاکم اسلامی برای انجام دادن وظایف خود باید از افکار و آراء و نیازها و درخواست‌ها و شکایت‌های مردم آگاه باشد و این آگاهی مستلزم نوعی تجسس است. مصالح نظام اسلامی این گونه تجسس را اقتضا می‌کند<sup>۲</sup> چون باید از این طور اموری آگاهی باشد تا جامعه رو به پیشرفت و مطلوبیت باشد.

## ۱-۳- غیبت

حقیقت غیبت، ابطال هویت و شخصیت اجتماعی افرادی است که خودشان از جریان اطلاع ندارند و خبر ندارند که پشت سرشان چه چیزهایی می‌گویند. اگر خبر داشته باشند و از خطری که این کار برایشان دارد اطلاع داشته باشند از آن دوری می‌جوینند و نمی‌گذارند پرده ای را که خدا بر روی عیوبشان انداخته به دست دیگران پاره شود؛ غیبت اجزای مجتمع بشری را یکی پس از دیگری فاسد می‌سازد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> -www.Fateakhlagi.nashriyat.ir

<sup>۲</sup> - حائری، بازرگانی، ص ۵.

<sup>۳</sup> - سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۸۵-۴۸۴.

ذکر عیوب پنهانی به هر قصد و نیتی باشد، غیبت و حرام است. ذکر عیوب آشکار اگر به قصد مذمّت باشد غیبت و حرام است، خواه آن را در مفهوم غیبت وارد بدانیم یا نه.<sup>۱</sup>

غیبت مؤمن به منزله خوردن گوشت برادر مرده می باشد. چرا فرمود گوشت برادرش؟ برای اینکه مومن برادر اوست. چرا او را مرده خواند؟ زیرا بی خبر از این است که دارند از او غیبت می کنند و این که در آیه ۱۲ سوره حجرات فرمود : «فَكَرِهْتُمُوهُ» نفرمود «فَتَكَرَّهُونَهُ». اشاره دارد به این که کراحت امری ثابت است همانگونه که کراحت دارید گوشت برادر مرده خود را بخورید؛ پس غیبت هم به منزله خوردن گوشت برادر مرده است پس باید از آن دوری کنیم.<sup>۲</sup>

غیبت مصاديقی دارد :

قسم اول آن : ذکر کردن چیزی که نقص شرعی یا عرفی نسبت به مال شخص غیبت شده باشد و آن چیز هم بر شنونده پوشیده باشد. به طوری که راضی به فاش شدنش نباشد و غیبت کننده هم در مقابل کوچک کردن آن شخص و عیب گذاری بر او است.

قسم دوم : نقل عیوب پنهان است، لیکن نه به قصد مذمت کردن و عیب گذاردن و پست کردن او، بلکه به غرض دیگری مانند سرگرمی یا از روی دلسوزی، عیوب پنهان دیگری را نقل کند که شکّی در حرام بودنش نیست.

قسم سوم: گفتن عیوب کسی نزد دیگری که آن را می داند. از روایات هم به دست آمده که این قسم هم غیبت محسوب می شود.<sup>۳</sup>

غیبت تنها زبانی نیست بلکه اگر با نوشتن یا اشاره هم باشد غیبت محسوب می شود. از این روایت آشکار می شود که عایشه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: «زنی بر ما وارد شد چون روی برگرداند و رفت با دستم اشاره کردم که او کوتاه قد است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: او را غیبت کردی». پس غیبت تنها تلفظ نیست<sup>۴</sup> و باید رشته حواس خود را به دست بگیریم و مواطن باشیم که به این گناه بزرگ چار نشویم و با خود فکر نکنیم که غیبت تنها به زبان است.

<sup>۱</sup>- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۰۱.

<sup>۲</sup>- سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۸۶.

<sup>۳</sup>- دستغیب شیرازی، گناهان کبیره، ص ۲۵۷.

<sup>۴</sup>- نراقی، جامع السعادت، ص ۲۹۴.

## نتیجه گیری

مصاديق حق الناس گستردہ است. حق الناس را فقط به عنوان مال نباید تلقی کرد. با توجه به اینکه حق الناس گناه کبیره محسوب می‌شود لذا هر انسان باید نگاه عمیقی به آن داشته باشد و در طول عمر باید مراقب نفس خویش باشد که مبادا در دنیا و آخرت دچار عذاب الهی شود. با بررسی مطالعات پیشین و مطالعات فعلی در پی اثبات این هستیم که حق الناس مصاديق متعددی دارد. تحقیقات پیشین به صورت کلی حق الناس را مورد بررسی قرار داده بودند اما در این تحقیق به مصاديق حق الناس در آیه دوازده سوره حجرات مانند سوء ظن، تجسس و غیبت اشاره می‌شود که هر کدام از این مصاديق خودشان مصاديق متعددی دارد که شناخت آن‌ها باعث می‌شود از دایره حق الناس بیشتر آگاهی پیدا کنیم و در اعمال و کردار خود دقت و حساسیت بیشتری داشته باشیم تا از این گناه بزرگ نجات پیدا کنیم.

در این مقاله به هر کدام از این سه مصاداق و مصاديق آنها و به علل مصاديق سوء ظن ناپسند اشاره شده است. اما به دلیل اینکه حجم مطالب بالا می‌رود نیاز به پژوهش‌های دیگری دارد که اگر دچار این گناهان کبیره شدیم چگونه خود را درمان کنیم و از این گناه بزرگ نجات پیدا کنیم.

## منابع:

\* قرآن کریم.

۱. اکبری، محمود، نگاهی به حق الناس، قم: گلستان ادب، چاپ پنجم، ۱۳۸۷، ه، ش.
۲. جرجانی، سید شریف، ترجمان القرآن، تهران: دانشگاه تبریز، ۱۳۳۳، ه، ش.
۳. حویزی، عبد علی بن جمعه، نور ثقلین، قم: کتاب تحقیق، نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۹۲، ه، ش.
۴. حیدری، اصغر، شناخت و درمان سوء ظن، قم: نسیم کوثر، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ه، ش.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: مجلس شورای ملی، چاپ سیروس، ۱۳۳۵، ه، ش.
۶. دستغیب، عبدالحسین، قلب سلیم، تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۵۱، ه، ش.
۷. \_\_\_\_\_، گناهان کبیره، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۴، ه، ش.
۸. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲، ه، ش.
۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۶، ه، ق.
۱۰. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، قم: کتاب طه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۶، ه، ش.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۸، ه، ش.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: دارالهجرت، ۱۴۰۹، ه، ق.
۱۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵، ه، ش.
۱۴. قمی، عباس، فرهنگ واژگان قرآن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۷، ه، ش.
۱۵. قمی، محمد (معروف به شیخ صدوق)، خصال، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، چاپ نهم، ۱۳۸۱، ه، ش.
۱۶. قمی شیرازی، محمد طاهر، اربعین، تهران: ناشر محقق، چاپ اول، ۱۴۱۸، ه، ق.
۱۷. کاشانی، فیض، التحفه السنیه، ترجمه: عبدالله جزائری، بی جا، بی نا، چاپ اول، بی تا

۱۸. مجلسی، محمد باقر، بهبودی، محمدباقر، بخارالانوار، تهران: اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ش.
۱۹. مجتبی، سید جلال الدین، علم اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۹۰، ش.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، حقوق و سیاست در قرآن، قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۷۷، ش.
۲۱. مصطفوی، سیدحسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸، ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب اسلامیه، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۶، ش.
۲۴. نراقی، ملا احمد، معراج السعادت، قم: وحدت بخش، چاپ هفتم، ۱۳۸۹، ه، ش.
۲۳. نراقی، ملا مهدی، علم اخلاق اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۷، ش.
۲۷. \_\_\_\_\_، جامع السعادت، ترجمه: کریم فیضی، تهران: قائم آل محمد، چاپ سوم، ۱۳۹۰، ه، ش.
۲۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنمای، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ه، ش.
۲۶. هیئت تحریریه موسسه در راه حق، مسائل زندگی ساز اسلامی، قم: موسسه در راه حق، ۱۳۶۱، ه، ش.

۲۸. Hawzah.net

۲۹. Fateakhlagi.nashriyat.ir

۳۰. <http://www.encyclopaediaislamica.com>